سیاحانی که به ایران آمده‌اند

جلد یکم

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه / شهبازی، داریوش، ۱۳۳۲-
عنوان / سیاحانی که به ایران آمده‌اند (جلد یکم)
مشخصات نشر / تهران: ماهریس، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری / ۵۵۰ ص.
شابک / ۹۷۸ _ ۶۲۲_۶۹۳۴_۱۴_۵
وضعیت فهرست‌نویسی / فیپا
موضوع / سفرنامه‌ها -- ایران -- سیر و سیاحت
موضوع / Traveler's writings - - Iran -- Description and travel
رده‌بندی کنگره / ۹۵۵/۰۰۴۲
رده‌بندی دیویی / DSR۲۸
شماره کتابشناسی ملی / ۵۸۸۸۸۵۰

نشر ماهریس

سیاحانی که به ایران آمده‌اند

جلد یکم

داریوش شهبازی

نشر ماهریس

عنوان کتاب : سیاحانی که به ایران آمده‌اند (جلد یکم)
نویسنده : داریوش شهبازی
ناشر : انتشارات ماهریس
طراحی و تولید : آتلیه ماهریس
چاپ : معرفت
صحافی : تاجیک
چاپ اول : ۱۳۹۹
شمارگان : ۳۰۰ نسخه
قیمت : ۹۹۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی
میدان انقلاب؛ خیابان کارگر جنوبی؛ تقاطع لبافی‌نژاد؛ شماره ۲۶۶
تلفن: ۶۶۴۸۲۱۵۰ ـ ۰۲۱

www.nashrmahris.com
@nashremahris
@ketabfarhang

کلیهٔ حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

چکیده ۹
مقدمه ۱۱
آرمسترانگ ۲۹
آرنولد ۲۹
آشی کاگا ۳۰
آلکوک ۳۱
آمبروزیو ۳۲
آنترمونی ۳۲
آنجوللو ۳۳
آنـه ۳۴
آیرونساید ۳۶
ابن بطوطه ۳۷
ابن حوقل ۴۹
ابن عبری ۵۱
ابن فضلان ۵۱
ابوت ۵۵
ابودُلَف یَنبُعی ۶۷
ادموندز ۷۳
ادواردز ۷۶

اسپاروی ۷۹
استاک ۸۶
استاکلر ۹۷
استرابون ۹۸
استرن ۱۰۰
استوارت ۱۰۰
استودارت ۱۰۳
اسخاخن ۱۰۶
اسکرین ۱۰۶
اسکینر ۱۰۹
اسمیت (آنتونی) ۱۰۹
اسمیت (یان) ۱۱۱
اشترویس ۱۱۲
اشتیلر ۱۱۴
اشنایدر ۱۱۴
افلاطون ۱۱۸
افندی ۱۲۳
اگوستین ۱۲۳
الساندری ۱۲۴
الگود ۱۲۵
الیس ۱۲۷
انگلمن ۱۲۹
اوبن ۱۲۹
اوتر ۱۳۱
اورسل ۱۳۴
اوزلی ۱۳۷
اوکانر ۱۳۹
اولیویه ۱۴۳
اولئاریوس ۱۵۰
ایترپرسیکوم ۱۵۴
ایستویک ۱۵۶
اینووه ۱۵۷
بابن و هوسه ۱۵۸
باربارو ۱۶۱
بارنز ۱۶۱
باروگ ۱۶۷
بازن ۱۶۷
باکینگهام ۱۷۱
بایرون ۱۷۳
بایندر ۱۷۵
بدیک ۱۷۶
براون ۱۷۸
برد ۱۷۹
برنز ۱۸۰
بروگش ۱۸۳
برونیار ۱۸۵
بروین ۱۸۸
بریجز ۱۹۱
بل ۱۹۳
بلگریو ۱۹۷
بلوشر ۱۹۸
بلوکویل ۲۰۰
بن تان ۲۰۳
بنجامین ۲۰۴
بولارد ۲۰۷
بوئن ۲۰۹
بهلر ۲۱۱
بیشوپ ۲۱۲

بیکر ۲۱۶
بینینگ ۲۱۷
پاتینجر ۲۱۷
پاسلی ۲۱۹
پتی ۲۱۹
پرایس ۲۲۰
پرنو ۲۲۱
پروکوپیوس ۲۲۳
پگولوتی ۲۲۴
پلامتری ۲۲۵
پلی‌بیوس ۲۲۵
پلینیوس ۲۲۷
پوردنون ۲۲۷
پوزر ۲۲۸
پولاک ۲۲۹
تامسن ۲۳۸
تانکوانی ۲۴۲
تاورْنیه ۲۵۰
ترز ۲۶۱
تره زل ۲۶۳
تکتاندر ۲۶۸
تلگرافچی ۲۷۲
تودولایی ۲۷۳
تورنتن ۲۷۸
تولوزان ۲۷۸
تونو ۲۸۳
تویفل ۲۸۵
تویوکیچی ۲۸۵
تیت ۲۸۷
جان دوم ۲۹۲
جانسن ۲۹۲
جانی فرنگی‌ساز ۲۹۲
جکسن ۲۹۳
جنکینسن ۲۹۷
چاپمن ۲۹۸
چاره ری ۲۹۹
چریکف ۳۰۰
چلبی ۳۰۵
چینی ۳۰۷
حارثی ۳۰۷
حموی ۳۰۹
خاخام بنیامین بن جناح ۳۱۴
خاخام موسی پتاچیا ۳۱۴
خانیکف ۳۱۴
خودزکو ۳۱۹
خورنی ۳۲۶
داگلاس ۳۲۹
دالمانی ۳۳۰
در شلی ۳۳۶
دروویل ۳۳۶
دلاکروآ ۳۳۹
دلاند ۳۴۰
دلاواله ۳۴۳
دلیسله ۳۵۵
دنسترویل ۳۵۶
دوبد ۳۶۰
دوراند ۳۶۷
دوراند (لیدی الا) ۳۶۸

دوسرسی ۳۶۹
دومان ۳۷۲
دوونتی ۳۷۵
دوهوسه ۳۷۵
رابینو ۳۷۶
راتیسلاو ۳۸۲
راس ۳۸۲
راتیسلاو (آلبرت) ۳۸۲
راس (رز) ۳۹۰
راموزیو ۳۹۲
راولینسن ۳۹۲
رایت ۴۰۰
رایس ۴۰۵
رایس (کلارا) ۴۰۸
روبروک ۴۱۶
روزن ۴۱۶
روششوار ۴۱۸
ریچ ۴۲۹
ریچاردز ۴۳۱
زاوی ۴۳۶
زنر ۴۳۷
زنو ۴۳۸
ژاک ۴۳۸
ژاکن ۴۳۹
ژزو ۴۴۰
ژوبر ۴۴۵
سالتیکف ۴۵۱
سانتو استفانو ۴۵۷
سانسن ۴۵۷
سانوتو ۴۶۱
ساوج لندور ۴۶۲
سایکس ۴۶۲
سایکس (الا) ۴۷۳
سردا ۴۷۳
سرسو ۴۷۴
سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران ۴۷۵
سفرنامه‌های ونیزیان در ایران ۴۷۶
سکویل وست ۴۸۸
سیرو ۴۹۱
سیمونیچ ۴۹۳
شاردن ۴۹۳
شرلی ۴۹۹
شلینگر ۵۱۹
شوارتسنباخ ۵۱۹
شوستر ۵۲۴
شولتسه هولتوس ۵۳۰
شیخ نجیب‌الدین ۵۳۲
شیلت برگر ۵۳۳
شیندلر ۵۳۵

چکیده

از بررسی سفرنامه‌ها و تحلیل آنچه سیاحان به قلم آورده‌اند می‌توان به بسیاری از نقاط سایه‌روشن و ابهام‌آمیز تاریخ کشورمان پی برد. سفرنامه‌ها آینه تمام‌نمای گذشته ماست. بی‌آنکه تعصب نشان دهیم و از رُک‌گویی سیاحان بهراسیم و موضع دفاعی بگیریم، باید واقع‌بینانه و منطقی بدان‌ها نظر افکنیم و گذشته اجدادمان را جستجو کنیم. بدیهی است در این بستر، ملت ایران نیز مانند تمامی اقوام و ملل گیتی با فراز و فرودهایی روبه‌رو بوده‌اند؛ گاهی بر فراز شکوه و جلال و گاه در لبه پرتگاه و سقوط. بدان زمان ایرانیان به داشتن چنان سرفرازی، با تحسین و ستایش جهانیان مواجه بوده‌اند و بدین هنگامه جهانگردان با حیرت از آن واقعیت، ناباورانه ایرانیان را نکوهش کرده‌اند. اگر بخش اندکی را که یا مأمور دولت دشمن بوده، یا نگاه خصمانه داشته‌اند کنار بزنیم به‌طور قطع از دیگر نوشته‌ها می‌توان مطالب تاریخی مفیدی استنتاج کرد.

مقدّمه

از بامدادان تشکیل جوامع بشری، سفر برای انسان جذابیت بسیاری داشته است. گو این‌که فقدان امکانات حمل‌ونقل ایمن و راحت و وجود حیوانات وحشی و راهزنان و سرما و گرمای طاقت‌فرسا از موانع مهم سفر محسوب می‌شد. شمار سیاحان و جهانگردان در قرون و اعصار اولیه ازاین‌جهت، بسیار اندک است، اما با گذشت زمان و تسلط انسان بر مصایب سفر، شاهد افزایش اندک‌اندک شمار جهانگردان در بستر تاریخ هستیم. ایران به دلایل متعدد از جمله شکوه و جلال حکومت‌های باستانی و قرار داشتن در مسیرهای تجاری گیتی و وجود دانشمندان و عالمان ایرانی و استقرار در ناحیه‌ای از جهان که مهد و گهواره تمدن بشری است، مورد توجه و عنایت جهانیان بوده است.

سفر، مادر تجربه و سفرنامه مادر تاریخ است و عمارت شکوهمند تاریخ با مصالحی که سیاحان فراهم آرند، ساخته می‌شود. سفرنامه‌ها از منابع مهم جغرافیایی و تاریخی و کلید شناخت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع یعنی پایهٔ علم مردم‌شناسی است. سفرنامه‌ها مطالب ارزنده‌ای از تشکیلات اداری، فرهنگ، آداب و سنن و شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان کشورها را در بر دارد. سفرنامه‌نویسی یکی از انواع ادبی دلپذیر در نگارش مشاهدات و توصیف آثار و وقایع و ضبط خاطرات

و اطلاعات است. سفرنامه، نوعی گزارش است که نویسنده در قالب آن مشاهدات خود را از اوضاع سرزمینی که بدان سفر کرده است، شرح می‌دهد. سفرنامه، توصیف دیده‌ها و شنیده‌ها، همچنین برداشت فکری و شخصی سیاحان، سفرا و میسیونرهای مذهبی از یک سرزمین و آداب‌ورسوم مردم آن، خلق‌وخو، پوشاک، صنعت و اطلاعاتی از بناهای تاریخی، مسجد، کتاب‌خانه، بازار، بزرگان، مردم، جمعیت، آب‌وهوا، زبان اهالی مناطق مورد بازدید است. سفرنامه‌ها گنجینه و موزه‌ای از اطلاعات هستند. یکی از مهم‌ترین منابع در شناخت اعصار مختلف تاریخ، سفرنامه‌ها، خاطرات و مشاهدات سیاحان، سفرا، مبلغان مذهبی و غیره است.

سرزمین ایران، به لحاظ داشتن آثار تاریخی کم‌نظیر و فرهنگ غنی از بامدادان تمدن بشری از مقاصد اصلی سیاحان دیگر اقوام و ملل گیتی بوده است.

برای تحقیق در زمینه‌های مختلف اجتماعی و شناخت بهتر زوایای تاریخی جوامع بررسی سفرنامه‌ها می‌تواند منبعی ارزنده باشد. به‌ویژه آن‌که نویسندگان سفرنامه‌ها هر یک از دیدگاه‌های خاص خود اوضاع طبیعی، اجتماعی و یا سیاسی منطقه را مورد بازدید قرار داده‌اند. در سه برش زمانی ایران بیش از دیگر ازمنهٔ تاریخ، مورد توجه علاقه‌مندان سفر قرار گرفته است: (الف) دوران باستان، (ب) دورهٔ صفوی و (ج) دورهٔ قاجاریه

دوران باستان

ایران در این دوران به‌خصوص در پادشاهی کورش و داریوش مهد و گهواره تمدن بشری بود و مورد غبطه نخبگان یونانی (تنها رقیب ایران در آن روزگار) نظیر افلاطون بوده است، اما با تغییر سیاست و فرسایش سیستم پادشاهی در بستر زمان از ارج‌وقرب حکومت کاسته شد و با حمله اسکندر، هخامنشیان سقوط کرد. در دوران بعدی شاهد ظهور دیگر سلسله‌های پادشاهی هستیم تا با افول قدرت ساسانیان و حمله اعراب مسلمان این دوران به پایان می‌رسد. اغلب جهانگردانی که در این دوره از ایران یادکرده‌اند به تحسین و شکوه پادشاهی و فرهنگ و رفتار ایرانیان پرداخته‌اند.

برخی از کهن‌ترین گزارش‌های سفر متعلق به مصریان است که قدمت یکی از آن‌ها به سده ششم پیش از میلاد می‌رسد و آن سفرنامه کوسموس اسکندرانی است (حدود ٥٤٨ ق.م.) هرودت از قدیمی‌ترین جهانگردانی است که به ایران سفر کرده و گزارش سفر خود را نوشته است. گزنفون، مورخ آتنی (۳۲۵ـ٤۳۰ ق.م.)، نیز به ایران مسافرت کرده و کتابی از سفر خود نوشته است.

کهن‌ترین اسناد و مدارک در حوزه سفرنامه‌نویسی در جهان، ایران را مبدأ این رشته می‌دانند، زیرا نخستین سفرنامه به استناد تاریخ به دستور داریوش اول هخامنشی دربارهٔ رودخانه سند، خلیج‌فارس و دریای سرخ نگاشته شده است.

ماد

پلی‌بیوس (Polybius یونانی)، (زاده ۲۰۰ قبل از میلاد) دربارهٔ همدان و قصر معروف سلطنتی آن چنین می‌نویسد: «اکباتان در ابتدا مقر پادشاهان ماد بوده و از حیث ثروت و شکوه و جلال و عظمت و ابنیه عالی بر شهرهای دیگر برتری داشته است».

کورش

جان کورتیس در کتاب ایران باستان به روایت موزه بریتانیا به بررسی دقیق فرهنگ، قدمت، آثار و تاریخ هنر ایران باستان می‌پردازد، وی با اقتباس از منابع دسته اول و معتبر علمی یکی از عوامل مهم اثرگذاری ایرانشهری بر ملل دیگر را تاریخ باشکوه و منحصربه‌فرد ایرانیان می‌داند.

«در زمان کورش کبیر به لحاظ شایستگی و کاردانی که داشت، بعضی مشاغل سیاسی، نظامی، اجتماعی را به یونانیان واگذار کرد.» (ویلهلم. ۱۳۸٦. ٦٦ تا ٦٧ و ٨١).

هنگامی‌که کرزوس به دست کورش بزرگ شکست خورد، امپراتوری هخامنشی مبنای کار هرودت در تاریخ‌نگاری می‌شود. کورش پس از تعیین جانشین و ترغیب پسران خود به اتحاد، به آنان چنین توصیه می‌نماید: «بر شماست که پس از خدایان همه مردم و نژاد آیندگان را گرامی دارید.» (کریستن سن. ۱۳۵۰. ۱۰۱).

کورش کبیر پس از فتح بابل طبق عادت، خلق‌وخوی جوانمردانه خویش با فرمانروای مغلوب و به اسارت درآمده، در کمال آزادمنشی رفتار می‌کند و سال بعد (۵۳۸) پ.م، به هنگام مرگ وی عزای عمومی اعلام می‌شود و کورش، شخصاً در مراسم عزاداری شرکت می‌کند (گیریشمن. ۱۳۷۹. ۱۲۲).

داریوش

هرودت داریوش را از بهترین حکمرانان شرقی و دلیر و باهوش و زیرک و پهناگستر امپراتوری هخامنشیان توصیف می‌کند. خشایارشا را شاهی ستمگر و خودخواه، سست‌عنصر و بی‌حال و تن‌پرور می‌نامد. داریوش‌شاه می‌گوید: «این است کشورهایی که نافرمان شدند، دروغ آن‌ها را نافرمان کرد که این‌ها به مردم دروغ گفتند. پس از آن اهورامزدا آن‌ها را به دست من داد» (شارپ. ۱۳۸۸. ٦٧).

داریوش‌شاه گوید: به خواست اهورامزدا چنان کسی هستم که راستی را دوست هستم. بدی را دوست نیستم. آنچه راست است آن میل من است. مرد دروغگو را دوست نیستم. (شارپ. ۱۳۸۸. ۸۹).

پلی‌بیوس معتقد است: اسکندر بسیاری از کاشی‌های نقره و اوراق طلا و نقره ستون‌های کاخ سلطنتی همدان را کند و با خود برد و آنچه از دستبرد وی مصون مانده بود بعدها به تاراج رفت.

یونانیان برای ارتش ایران و شاهان ایرانی نیروی لایزال و قدرت خدایی قائل بوده‌اند (ویلهلم. ۱۳۸٦. ١٦).

دین

اندرزنامه‌های ایرانی بارها دین را بنیاد زندگی اجتماعی دانسته است (عباسی. ۱۳٤۸. ۲و۳). در اوستا نیز به این مهم اشاره گردیده، چنان‌که آمده است: انسان باید از بی‌ایمانی بپرهیزد، حتی در راه ایمان بجنگد... یک فرمانروای خوب و شایسته در راه دیانتش می‌جنگد، از ملت خویش دفاع می‌کند... (گیریشمن. ۱۳۷۹. ۱۵۵).

شاه آرمانی و آرمان‌شهر ایرانیان باستان

«شواهد بسیاری است که افلاطون و ارسطو و حتی سقراط از اندیشه شرق و به‌ویژه ایران تأثیر پذیرفته‌اند. آرمان‌شهر اندیشهٔ آرمانی است که می‌خواهد بهشت ازدست‌رفته را بازآرایی کند، این اندیشه بر ذهنیّت و تخیّل تکیه دارد و در عالم مثال رخ می‌دهد، شکل‌گیری آرمان‌شهر در سرزمین مقدّس است...شاهی خوب، با آیین و دادگر مقامی بوده است که فضیلت‌های بایسته آن به کمالات الهی شباهت و نزدیکی تام داشته؛ شاه راستین و شایسته که برگزیده خدا و نزدیک‌ترین کس به او شناخته شده است، باید مظهر صفات خداوند و نماینده اراده او روی زمین باشد...نظام فکری ایران و اندیشه سیاسی شاه آرمانی در دوره کورش، نشان می‌دهد چرا و چگونه خردمندی، شجاعت، میانه‌روی و عدالت، چهار محور بازخوانی شده در جمهور افلاطون، همان‌گونه که نویسندهٔ کتاب شهر زیبای افلاطون و شاه آرمانی در ایران باستان نشان داده، همواره مبنای اندیشگی دینی و سیاسی دولت ایرانی محسوب می‌شدند[۱]».

در آموزه‌های اخلاقی و دینی ایران باستان مشروعیت سیاسی شاه زمانی محرز است که بایستگی‌های موردنظر این آموزه‌ها را واجد باشد (زمانی. ۱۳۹۰. ۱۲٤ تا ۱۳۵).

ایران امروز هرچند که از جَهاتی گرایش به غرب دارد، اما از لحاظ روح و منش فرهنگی، سنن و آداب خویش به آن وفادار مانده است و به نظر می‌رسد مجدداً مرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملل این منطقه از جهان خواهد شد. موقعیت جغرافیایی، ثروت‌های طبیعی فراوان و مردمان تیزهوش و فعال آن از سنت‌های کهن جهان برخوردار است. در آینده باز هم در مجمع ملل مهم دنیا، مقام شایسته خود را به دست خواهد آورد (گیریشمن. ۱۳۷۹. ۳٤۹).

در تاریخ ایران باستان، هرگاه قدرت آمریت شاه رو به ضعف نهاد، بلافاصله با خطر خلع از سلطنت روبه‌رو شد. (رضایی‌راد. ۱۳۸۹. ۲۹٦).

---

۱. فصلنامه راهبردی سیاست. دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۳۸۹.

شاه باید عیب‌های درونی خود را پیوسته جستجو کند و در بهبود آن‌ها بکوشد. شاه نباید دروغگو، چشم‌تنگ، تندخو و بی‌کاره باشد. (عباسی. ۱۳۴۸. ٤٥).

ستایش ایرانیان

افلاطون که خود به ایرانیان غبطه می‌خورد در رساله قوانین از ایرانیان به نیکی یاد می‌کند.

گزنفون ایرانیان را می‌ستاید.

هرودت در ستایش ایرانیان می‌گوید: «ایرانیان در رودها ادرار نمی‌کنند و آب دهان به آن نمی‌اندازند و دست‌هایشان را در آن نمی‌شویند و نهایت احترام را برای آب‌های جاری قائل می‌شوند.»

استرابو (Strabo) یا استرابون در مورد آیین و مراسمی ایرانی که برگزاری آن را در کاپادوکیه خود به چشم دیده است، شرح می‌دهد: در مورد آب زمانی که ایرانیان به دریاچه یا رود یا چشمه‌ای رسند گودال‌های بزرگ کنده قربانی را در کنار آن می‌کشند و سخت پروای آن دارند که هرگز خون به آب نیامیزد، چون این کار سبب آلودگی آب خواهد بود[۱].

هرودت می‌نویسد: آتن آن روز چنان غرق در فساد و توطئه «آزادان» علیه یکدیگر بود که همواره همه دولت ـ شهرهای دیگر خواهان صلح با ایران و حتی پیوستن به شاهنشاهی ایران بودند و بزرگ‌ترین سرداران و فرمانروایان آتنی و اسپارتی به دربار ایران پناه می‌آوردند.

سوفیست‌ها یکی دیگر از عوامل گرایش یونانیان به اندیشه ایران می‌باشند.

«یونانیان در این ادوار با وجود منازعات خصمانه‌ای که با ایران داشتند؛ حکمت و آرای دینی ایرانیان را می‌ستودند و مغان ایرانی را حکیم می‌خواندند.» (مجتبایی. ۱۳۵۲. ۱۵۱و۱۵۲).

نئارخوس دریاسالار مقدونی که در سال ۳۲۶ قبل از میلاد به دستور اسکندر دریای فارس را پیمود از آبادی سواحل دریا فارس می‌نویسد: «پس از دویست استاد راه به ریگ

---

۱. دین ایرانی. ۴۵ـ۴۳.

و از آنجا به دیلم و دهنهٔ رودخانهٔ اندیان آمدیم، رودخانهٔ اندیان سرحد خوزستان و فارس و پس از سند بزرگ‌ترین رودخانه است. هیچ یک از سواحلی که پیمودم مانند دریای فارس، آباد و معمور نبود.»

پروکوپیوس (زادهٔ حدود ۵۰۰ ـ مرگ حدود ۵۵۴ میلادی) بیزانسی کتابش مربوط به جنگ‌های ایران و روم است.

موسی خورنی، مؤسس خورناتسی تاریخ‌نگار، فیلسوف، الهی‌دان، مترجم و شاعر و نویسنده ارمنی در سده پنجم میلادی بود. خورنی کتاب «تاریخ ارمنستان» را نگاشته که اطلاعات مفیدی راجع به جغرافیای جهان کهن و به‌ویژه ایران می‌دهد.

دوران صفویه

از استقرار اسلام در ایران تا ظهور صفویه هیچ یک از سلسله‌های نتوانستند، جز بر بخشی از این سرزمین بر دیگر قسمت‌ها فرمان رانند. در این دوران به‌ویژه سلطنت شاه عباس سیاحانی که از ایران دیدن کرده‌اند از شکوه شهرهای بزرگ ایران نظیر اصفهان و قزوین یاد کرده‌اند.

بعد از اسلام استقلال ایران از میان رفت و این سرزمین جزئی از امپراتوری اسلام شد. تحولات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی ایران به وجود آمد. البته سلسله‌های متعددی در استقلال از سلطه امویان و عباسیان به پا خاستند و بخشی از جغرافیای ایران باستان را مستقل از خلافت اسلامی خواندند، اما هیچ یک از این امارات ملوک‌الطوایفی تا ظهور صفویه نتوانستند، سراسر آن سرزمین را تحت فرمان خود در آرند. سیاحانی در این دوران به ایران سفر کرده و سفرنامه‌ای از خود به‌جا گذاشته‌اند.

ایرانیان در این دوره جنبش‌های استقلال‌طلبانه را به پا ساختند که تشکیل حکومت‌هایی چون طاهریان و صفاریان (۹۰۳ـ۸۶۶) را می‌توان از نتایج آن‌ها برشمرد.

طاهریان برای اولین بار پس از ظهور اسلام نواحی شرقی ایران همچون خراسان امارت استخلاف تشکیل دادند و صفاریان نیز برای نخستین بار از زبان فارسی به‌جای زبان عربی استفاده کردند. در دوره سامانیان (۹۹۹ـ۸۱۹ م.) از خط پهلوی ساسانی، خط فارسی نوین

پدید آورده شد و الفبای عربی با زبان فارسی رواج یافت.

حکام آل بویه (۱۰۵۵ـ ۹۴۵ م.) پس از فتح شیراز و تأسیس حکومت خویش راهی بغداد شده آن را تصرف نمودند و مقام خلافت را به آلت دست خویش تبدیل نمودند و قدرت واقعی را در دستان خویش گرفتند.

غزنویان (۱۱۸۶ـ۹۷۷ م.) خود را به‌عنوان غازیان یا جنگجویان مسلمان مطرح نامیدند و سرزمین‌هایی همچون هندوستان را مورد تهاجم خویش قرار دادند.

سلجوقیان (۱۱۹۴ـ ۱۰۳۸ م.) با پیروزی بر غزنویان حکومت خویش را تأسیس نمودند و سراسر ایران را تحت سیطره خود درآوردند و به یاری وزرای بزرگ و دانشمند ایرانی قدرت خود را تثبیت نمودند، ولی در نهایت توسط خوارزمشاهیان از میان رفتند.

در دوره حکومت خوارزمشاهیان (۱۲۳۱ـ۱۰۷۷ م.) تهاجم مغول‌ها به خاک ایران آغاز گردید. نتیجه این تهاجم انقراض حکومت خوارزمشاهیان و غارت شهرها و قتل‌عام مردم ایران بود که با نابودی اقتصاد و کشاورزی ایران همراه گردید.

مغول‌ها به‌سرعت خاک ایران را تصرف نمودند و ضمن لشکرکشی به بغداد و به قتل رساندن خلیفه عباسی خلافت اسلامی را از میان بردند (۱۲۲۸ م.)

پس از مغول‌ها، تیموریان (۱۵۰۶ـ۱۳۷۰ م.) به خاک ایران هجوم آوردند و بار دیگر سرزمین ایران را عرصه تاخت و تاز و غارت قرار دادند.

از دوره صفوی (۱۷۳۲ـ ۱۵۰۱ م) مذهب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی ایران معرفی گردید. مذهب تشیع با ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی خویش باعث اتحاد و استقلال ایران گردید و هویت ملی آن را در برابر تهاجمات و ضربات مهلک امپراتوری عثمانی حفظ نمود و ایران توانست بار دیگر به‌عنوان یک قدرت بزرگ سیاسی و مذهبی قد علم کند.

با تشکیل دولت صفویه (۹۰۷ـ۱۱۴۸ق./۱۵۰۲ـ۱۷۳۶م.) برای نخستین بار جغرافیای ایران بزرگ پس از اسلام بار دیگر تحت فرمانروایی پادشاهی واحدی قرار گرفت و سلسله‌های پراکنده ایرانی که در مناطق مختلف حکومت داشتند، برچیده شدند.

دوره صفوی از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به‌شمار می‌آید، زیرا با گذشت ۹۰۰ سال

پس از نابودی شاهنشاهی ساسانی یک دولت متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید.

در این سلسله هنگام سلطنت شاه عباس ایران به شکوه و جلال رسید و اصفهان پایتخت از شهرهای آبرومند و مهم گیتی قلمداد شد. تجارت به نقطه قابل قبولی رسید و ارتباط جهانیان با ایران به بالاترین حد خود رسید.

صفویان، آیین شیعه را مذهب رسمی ایران قرار دادند.

ایران در دورهٔ صفوی در زمینهٔ مسائل نظامی، فقه شیعه، معماری، خوشنویسی و نقاشی پیشرفت شایانی نمود. در دوره شاه عباس کبیر شهر اصفهان به‌عنوان پایتخت ایران انتخاب گردید و به اوج عظمت و شکوه دست یافت به‌طوری‌که یادگارهای بسیاری از آن دوران تا عصر حاضر نیز بر جای مانده‌اند.

به دو دلیل ورود گردشگران فرنگی به ایران افزایش یافت: (۱) تحولات فلسفی و علمی و دینی و اقتصادی اروپا پس از رنسانس بود؛ زیرا غرب به پیشرفت‌هایی دست یافته بود و دنبال منابع درآمد می‌گشت. آنان میل به شناخت دیگر نقاط جهان و بازاریابی محصولات تولیدی خود داشتند تا حرص ثروت‌اندوزی و قدرت‌یابی‌شان را ارضا نمایند؛ (۲) قدرت و شکوه و جلال پُرآوازه ایران در آن مقطع که می‌توانست هم جاذبه‌ای برای دیدار و مقصدی برای تجارت باشد و هم رقیبی علیه عثمانی مهاجم به اروپا گردد.

ضعف و زوال صفویه

شاه صفی نوه و جانشین شاه عباس کبیر بود. تزلزل در سیاست خارجی ایران از دوره سلطنت او آغاز گردید. ازبک‌ها شرق و عثمانی‌ها غرب ایران را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند. شاه صفی که از مقابله با سلطان مراد چهارم امپراتور عثمانی درمانده بود، در سال ۱۰۴۸ ق. به قراردادی که به‌موجب آن، بغداد به عثمانی‌ها واگذار می‌شد، تن در داد. سال پیش از آن نیز قندهار، به دست شاه جهان امپراتور مغولی هند از دست رفته بود. دلیل این شکست‌ها این بود که فرماندهان لایق و کارآزموده نظامی صفوی به دلیل بدگمانی‌های شاه صفی به آنان، کشته شده بودند.

در دورهٔ شاه سلیمان فرزند شاه عباس دوم هم اوضاع داخلی و خارجی کشور با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو بود. قحطی و بیماری بر کشور سایه افکنده بود. طاعون در بین اهالی بیداد می‌کرد. عثمانی‌ها که گرفتاری‌هایشان در اروپا تمام شده بود، علی‌رغم قرارداد ۱۰۴۹ق. که مرزها را مشخص ساخته بود و منطقاً دستاویزی برای تجاوز وجود نداشت، دوباره چشم به ایران دوختند. شیخ علی‌خان زنگنه اعتمادالدوله خطر عثمانی‌ها را به شاه سلیمان گوشزد کرد و گفت که ممکن است آن‌ها دوباره به ایران بتازند، شاه سلیمان هم با کمال خونسردی در پاسخ گفت:

«هرچه می‌خواهد بشود، ما را اصفهان کفایت می‌کند».

در دوران حکومت شاه سلیمان، جزیره قشم سه سال در تصرف هلندی‌ها بود و ازبک‌ها با مشاهده ضعف دربار صفوی، بار دیگر خراسان و شهرهای آن را مورد هجوم قرار دادند، زندگی مردم را غارت کردند و بسیاری از مردم بی‌گناه را به قتل رساندند. قزاق‌های روسی به تحریک تزار آلکسی سواحل گیلان را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده بودند. فساد سازمان حکومتی، جایگاه اوباش در مناصب دولتی، غارتگری‌های حاکمان شهرها، ولخرجی‌های هنگفت شاه، مالیات‌های کمرشکن، سقوط بازرگانی خارجی و نظایر آن از دلایل مستقیم فروپاشی نظام حکومتی صفویه در زمان شاه سلطان حسین بود.

سرنگونی و فروپاشی

سرنگونی امپراتوری صفویه عمدتاً متأثر از اوضاع نابسامان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در پایان دوران این دودمان به‌ویژه زمان زمامداری شاه سلطان حسین، واپسین پادشاه این امپراتوری است. عوامل متعددی در فروپاشی نظام پادشاهی صفویه نقش داشته است.

به علت فقدان سیستم و شیوه پایا و مقاومت در برابر شایسته‌سالاری و عوامل متعدد دیگر جامعه ایران دچار فترت و سستی شد تا عاقبت با طغیان افاغنه صفویان سقوط کردند. نادرشاه افشار افغان‌ها را شکست داد و ضمن تسلط بر تمامی ایران، سلسله افشاریان را تأسیس نمود (۱۷۳۴). پس از افشاریان، زندیان (۱۷۹۶ـ۱۷۵۰) بر اریکه قدرت تکیه زده و در دوره حکومت آن‌ها شهر شیراز به پایتختی انتخاب و به شهری باشکوه و بزرگ تبدیل شد.

فحوای سفرنامه‌ها در این دوران حاکی از قدرت و اقتصاد خوب و اصلاح امور و رفتار پسندیده ایرانیان در دوران شکوه صفویان به‌ویژه سلطنت شاه عباس است، اما به علت فقدان روش شایسته‌سالار و نخبه پرور و بر اثر عوامل مخرب فراوان سلسلهٔ صفویان فروپاشید و دو سلسله کوتاه عمر افشاریه و زندیه نیز در استقرار دولتی شایسته و پایدار موفق نبودند.

دوران قاجاریه

پس از مرگ کریم‌خان زند، آقا محمدخان مدعی سلطنت شد و بعد از سال‌ها زد و خورد با مدعیان داخلی و دشمنان همسایه عاقبت بر اریکه سلطنت تکیه زد و سلسله قاجاریه را بنیاد نهاد. در این دوران پس از مرگ آقا محمدخان ایران با هجوم روس و شکست از این کشور و تهاجم ۱۵۰ ساله روس و انگلیس مواجه شد. در این دوره حکومت و به‌خصوص